

## به نام خدا

هشتمین نشست از سلسله نشست‌های در محضر نور، چهارشنبه هشتم اردیبهشت‌ماه، مطابق با پانزدهمین روز از ماه مبارک رمضان برگزار شد. در این نشست سرکار خانم دکتر زهرا مبلغ، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنرانی خود را با موضوع «اهمیت تواضع و فروتنی و ناپسندی غرور و خودبزرگ‌بینی» ارائه کرد.

دکتر مبلغ در ابتدای سخن خود متذکر شد با این بحث علاوه بر مرور آیاتی که صراحتاً به مسئله تواضع پرداخته‌اند، می‌توان به پرسش دیگری که امروزه بسیار مطرح می‌شود نیز پاسخ گفت؛ چرا به نظر می‌رسد متن قرآن خشن و عتاب‌آمیز و نهیب‌زننده است؟ اگر بتوان مجموعه مفاهیمی را که تصویری از تواضع و فروتنی را در متن قرآن به دست می‌دهند، در کنار هم بگذاریم و تحلیل کنیم شاید بتوان به این پرسش پاسخی گفت یا دست‌کم بدان بینش یافت.

در قرآن کلیدواژه‌های زیادی ما را به تواضع و فروتنی و خشوع و گردن‌فراز نبودن راهنمایی می‌کند. از مهمترین این ویژگی‌ها خشوع و خشیت و اخبات است. یکی از تعبیری که در قرآن آمده است راه رفتن بر زمین با آرامش و تعبیر دیگر، گشودن بال‌های محبت خود بر دیگران است. این تعبیر نیز ما را به سوی مفهوم تواضع در قرآن راهنمایی می‌کند. دکتر مبلغ گفت مجموعه‌ای از آیات در سه سوره قرآن آمده است که ویژگی‌های بنده‌های خاص خدا یا کسانی که به آنها حکمت داده شده را بیان می‌کند. در سوره فرقان آیه ۶۳ آمده است وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا بنده‌های خدای رحمن کسانی هستند که بر زمین به آرامی راه می‌روند و یا به ترجمه زیبای روض‌الجنان کسانی هستند که زمین از راه رفتن آنها آزرده نمی‌شود. وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا و هنگامی که جاهلین آنها را خطاب قرار می‌دهند در پاسخ سلام می‌گویند که البته برای این سلام معانی گوناگون ذکر شده است، از جمله همین گفتن سلام با آرامش یا به معنای آنکه گویی می‌گویند نگران نباشید، هرچند شما با رفتار ناشایست با ما برخورد می‌کنید، اما از ما به شما گزند نمی‌رسد و شما از جانب ما در سلامت هستید. بعضی جاها گفته شده است سلام گفتن به معنای قول سدید است، یعنی سخن مؤدبانه‌ای می‌گویند و رد می‌شوند. در این آیات از سوره فرقان با وصفی از بنده‌های خاص خدا مواجهیم؛ در روز بر زمین آرام راه می‌روند، با کسانی که ممکن است رفتار ناشایست داشته باشند مؤدبانه برخورد می‌کنند و در شب هم مشغول سجده و قیام و در حال نیایش با پروردگارند. ویژگی‌های دیگری در سوره فرقان ذکر شده است تا اواخر سوره که در مورد کسانی سخن می‌گوید که وارد بهشت می‌شوند.

در سوره اسراء آیاتی در باره کسانی که حکمت به آنها اعطا شده آمده است در آیه ۲۲ آمده است لَّا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَاز توحید خدا شروع می‌کند و توصیه‌های اخلاقی و اجتماعی و ... و در آخر می‌گوید وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا. مرح در کتاب‌های لغت به معنای شادی خارج از حد اعتدال و

سرخوشی فراوان است، نه می‌توانی زمین را بشکافی و نه می‌توانی به بلندای کوه برسی. می‌خواهد از کوچکی و حقارت انسان بگوید.

آیات دیگری در سوره لقمان داریم که به نقل از لقمان می‌فرماید يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ از شرک شروع می‌کند و به مفهوم تواضع می‌رسد.

در سوزۀ اسراء و لقمان، آخرین آیات به تواضع ختم می‌شود و در سوره فرقان، اولین آیات در باب تواضع است. وَكَا تُصَعِّرُ خَدَّكَ لِلنَّاسِ رَوَىٰ خُودٍ رَا از مردم برمگردان از بالا به مردم نگاه نکن وَكَا تَمْشِي فِي الْأَرْضِ مَرَحًا و روی زمین از روی سرخوشی و مستی غرور راه مرو. إِنَّ اللَّهَ لَا يُجِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ که خداوند کسی را که خودپسند و گردن‌فراز باشد دوست ندارد. وَ أَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ و در راه رفتنت حالت آرامش را حفظ کن، صدایت را حفظ کن و بالا مبر که بدترین صداها، صدای الاغی است که صدای بلند تولید می‌کند.

از نظر دکتر زهرا مبلغ این مجموعه‌ای از سه سوره قرآن است که ویژگی‌های بندگان خوب خدا و کسانی که حکمت به آنها عطا شده را بیان می‌کند و جالب است که در این مجموعه بر با ادب و آرامش بر زمین راه رفتن تأکید شده است و این سؤال پیش می‌آید که چرا قرآن عبادالرحمن و صاحبان حکمت را دعوت می‌کند به راه رفتن با آرامش روی زمین؟ آیا صرفاً تمثیل یا کنایه از تواضع و فروتنی است و یا معنای واقعی نیز دارد؟ در تفاسیر هردو آمده است؛ هم گفته شده است طوری راه بروید که گام‌های شما زمین را آزار ندهد و کسی که شما را می‌بیند حس نکند شما سرمست و فرحناک هستید یا مثلاً گفته شده است چشم خود را بر زمین بدوزید و وقتی راه می‌روید با سر بلند و از بالا رفتار نکنید که این وجه کنایی است.

کلیدواژه دیگری که در قرآن آمده است و با معنای تواضع و فروتنی نسبت دارد، واژه خشوع است. در معنی خشوع در کتاب‌های لغت جوهری مشترک آمده است که خوف و ترس و نگرانی و دل‌پیشانی مدام است. این نگرانی از فهم عظمت چیزی است. در برخی آیات قرآن این واژه به کار رفته است که یکی از آنها در مورد قیامت است که همه صداها و نگاه‌ها خاشع می‌شود، گویی همه با ترس سر فرود می‌آورند. غیر از قیامت درباره نماز، اوایل سوره مؤمنون آمده است قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ قطعاً مؤمنان رستگار خشوع دارند و در نمازشان ترس و خوفی از خداوند دارند. در سوره بقره آمده است وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ از صبر (روزه) و نماز کمک بگیرید، این دو بسیار سخت و بزرگ‌اند، مگر برای خاشعان. کسانی که فکر می‌کنند پروردگارشان را ملاقات می‌کنند، گویی درکی از عظمت و بزرگی پروردگار دارند و گویی در قلبشان خشوع دائمی دارند. در سوره اسراء درباره کسانی گفته شده که علمی به آنها اعطا شده است. این افراد وَ يَخْرُونَ لِلذَّقَانِ يَبْكَونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا، یعنی با چانه‌هایشان به حالت سجده بر روی زمین قرار می‌گیرند. این توصیف عمیق فروتنی و خاکساری است. اینها چه نوع علمی دارند که در

برابر شنیدن آیات قرآن چنین خاکسار می‌شوند؟ در سوره فاطر می‌فرماید: *إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ* تنها کسانی از خدا می‌ترسند که علم دارند، کسانی که به آنها حکمت داده شده است، عباد الرحمن، کسانی که در نماز خود خاشع‌اند، کسانی که با شنیدن آیات قرآن خشوع بر آنها غالب می‌شود. اینها چه کسانی هستند و چه تجربه‌ای می‌کنند که در هر حالتی ترس از خدا دارند. به نظر می‌رسد اینها کسانی هستند که حضور خدا و هیچ بودن خودشان در برابر خدا را درک می‌کنند. در عین حال، زمین و آسمان و همه موجودات را خداوند آفریده است. اگر انسان این را درک کند و بفهمد خودش در برابر این عظمت هیچ است، خشوعی که در قرآن گفته شده را درک می‌کند. این خشوع فقط در برابر خدا نیست، بلکه در برابر طبیعت و مخلوقات خداوند هم هست که همه مخلوق و مملوک خداوندند. در این صورت انسان به خودش اجازه نمیدهد نه تنها در برابر خدا، بلکه در برابر بندگان خدا تکبر بورزد. اصطلاح راه رفتن بر روی زمین تمثیلی برای رفتار ما با همه موجودات دیگر، به ویژه انسان‌های دیگر است حتی آنهایی که ما را آزار می‌دهند. این تواضعی که در قرآن مطرح شده به ما گوشزد می‌کند که ما چه در پیشگاه خدا، مثلاً در نماز، چه در مواجهه با طبیعت و چه در مواجهه با بندگان خدا باید با فروتنی برخورد کنیم. به نقل از علامه طباطبائی ما دوران کوتاهی در این جهان زندگی می‌کنیم و این دوره کوتاه عمر ارزش ذره‌ای گردن‌فرازی در برابر خدا و مخلوقات خدا را ندارد.

در پایان خانم دکتر مبلغ به سؤال ابتدایی درباره عتاب‌آمیز بودن کلام قرآن در برخی آیات باز پاسخ داد و گفت اگر چه دسته‌بندی آیات قرآن به عتاب‌آلود و مهرورزانه سخت است، اما درباره آیات با وجه عتاب‌آلود می‌توان گفت گویا انسان فراموش می‌کند در برابر خدا هیچ است و در مقیاس تاریخ خلق خدا هیچ است. کلام خدا نهیب می‌زند تو تفاوتی با دیگر مخلوقات نداری. می‌توان گفت در محتوا و شکل قرآن، این نکته لحاظ شده است که مخاطب قرآن ناچیز است و عمر کوتاهی دارد و مدام نیاز به تذکر و یادآوری دارد و تواضع از این درک پدید می‌آید که همه به یک اندازه مخلوق خداییم و محتاج و فقیر خداییم و اجازه نداریم در برابر هیچ موجود دیگری از انسان و غیر انسان گردن‌فرازی کنیم. علمی که در سوره فاطر و اسراء آمده است، علم به حضور خداست و اینکه وجود ما در محضر خدا هیچ است.